

سیر

مسعود شعاری / کریستف رضاعی

نقد آلبوم: سیر / CD: ۵۹:۲۳

نشر موسیقی هرمس (شهر کتاب)

مسعود شعاری / کریستف رضاعی

محمود شماری - سه تار

درشن جوت پیکنگ آند - تپلا

مانو کودجیا - گیتار الکتریک

کریستف رضاعی - تنظیم

Journey

Masoud Shaari / Christophe Rezaï



روایت و سیر رنگ‌ها و هارمونی‌های نوین

هم نوعی تعدیل کرد که مانند مشور، ظاهراً سرکش رام شود؟ بیات اصفهان، بی بیرویزگرد مینور هارمونیک غربی است و ردخور ندارد، آیا نمی‌توان فراست پنج‌گاه را هم همین‌طور قالب‌بندی کرد؟ انواع چپ‌چو؟ استنباط نگارنده این است که مقام‌ها و ردیف‌های سازی و آوازی ایران جمله‌ای توانایی تطبیق و به لباس روز درآمدن را دارند منتهی یک عامل نگذاشته که این امر محقق شود و آن جمله ترازیک معروف و خانمان براندازی است که در هر نسل این مملکت سینه‌به‌سینه مانند موسیقی‌اش نقل شده: پس استادم چه می‌گوید؟ می‌آید بپهمده این ترس باعث شده که عنصر رنگ و ایرداشت رنگی، از موسیقی ایرانی فسیل شود و با از دست دادن مخاطبان وسیعی که دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شمسی را گرم نگه داشته بودند. امروزه به بن‌بست تئوریک و لاجرم

تازه‌یی که از این راه حاصل می‌آید باعث قیوم هرچه بیشتر سطح بوم فرکانسی شده و در تلفیق با رنگ‌های سازهایی از قبیل «تلاقی هندی» یا گیتار الکتریک به‌همراه افکت و دست‌آخ Samplerهای کامپیوتری و دیجیتال و حتی صدای کوچک و بازار و فروشندگان دوره‌گرد و دستفروش‌ها موفق به خلق آمیاس (فضای) ایرانی - جهانی می‌گردد.

اما، انتخاب گوشه‌ها و پرده‌ها در آلبوم میره و پنحوی صورت گرفته که هم از تجربیات گذشتگان استادی بسپهرمندی حاصل گردیده و هم‌توان سازگاری‌شان بسا هارمونی غربی طسی سالیان محک‌خورده، حال این سؤال پیش می‌آید که آیا سه‌گانه هم مانند چهارگانه یا «همایون» قابلیت امتطاف با سیستم نتال را دارد؟ آیا نمی‌توان «دهشتی» را

آقای مسعود شعاری به‌تازگی با همراهی تنی چند از یاران، آلبومی در اسلوب New age که امروزه به فیوزن (التقاط) موسوم است روانه بازار کرد و در حقیقت ترمه تلاش‌ها و جست‌وجوهایی را که از سال ۷۷ شروع کرده بود در قالبی یکه و پیشرو و کم‌نظیر به دایره نهاد. «شعاری» نرسید و سه‌تار را پلی‌فونیک زد و کرومانیسم را در مقام ایرانی به‌کار گرفت. وی علاوه بر کاربرد طولی و خطی مرسوم در موسیقی ردیفی و دستگاهی و با مقامی، کاربرد عمودی و ضربدری را نیز مانند گیتار از سه‌تار بیرون می‌کشد که با این‌کار به ناچار با هارمونی نتال درگیر می‌شود یعنی تازه با ذهنیت سیستمال پیش اروپا ولی باز هم این تلاش قابل تحسین است و چنین شوک‌هایی را موسیقی ایران نیاز دارد یعنی شوک نتال - مثال، پس، رنگ‌های گسترده و

عدم جلب مخاطب وسیع نزدیک گردد. همین بلا هم بر سر موسیقی کلاسیک و جدی این مرز و بوم در شرف نازل شدن است یعنی چسبیدن به فرهنگ‌هایی که زمانی دور کارایی داشته و خوب عمل کرده‌اند و تلاش مذبوحانه و تسخیر و تسخیم آن فرهنگ‌ها به پست‌مدرنیته شهرنشین تنوع طلب و شوخ و شاد که از قضا اطلاعات زیادی به‌راحتی در دسترس‌اش قرار می‌گیرد و مانند نسل قبل نیازی به خواندن پیام‌های فیکساتوری دیواری ندارد.

وجه دیگر آلبوم‌های نظیر سیر، افسانه است که این روزها به چنین امری نزدیکی و خویشاوندی اسطوره‌ها می‌گویند، بدین معنی که اسطوره (یا همان افسانه‌های ایرانی) قربانی با برادر هندی خود دارد. این هندو با چینی در ارتباط و همپایگ است و آن چینی با ایرانی با زاپتی، استادی تعریف می‌کرد که پیش‌نماز مسجدی در چین نماز را به فارسی می‌خواند، قرض آوردن شاهی برای مقصود است موجز و کوتاه خود خواننده گرامی این مقال حتماً مطالعاتی در این باب دارد یا بهتر است که داشته باشد. پس یک دلیل وجودی چنین آلبومی کارگرد شدید افسانه‌ها در پشر شهرنشین و نیاز ارتباط با فضای متافیزیکی است. که زنده‌گی مادی را هم مخدوش نکند. یعنی نیاز به روایت و سیر، و دیگر نماد شدید به برقراری فرهنگ‌های نوین که این دومی از آن یکی حساس‌تر است.

و برتوز مسعود شماری حضور سنگین و قلندر خویش را از اولین تالیف‌های Track1 از این به بعد، «و الی آخر...» یعنی «حضور» به رخ می‌کشد و با اختیارکردن شد ماهر و تلفیق و آشنایی دادن آن با مقام صبحگاهی هندی یعنی «راگای صبح» به پرسبکتیوی هوشمندانه و بی‌نظیر در تلفیق با کامپیوتر و «تبلتا» می‌رسد. هوای پاک کوهسار و سرعت راندن در دشت و معلق شدن بر فضای بین دوکوه و افق گسترده تصویر زیبایی‌اند که بر شونده‌ها القا می‌گردند. استفاده بسجای و مستعدانه و ظریف از «اکترت‌اسپون» در جای جای آلبوم مشهود است و در کنار صدایبردار دقتی رخ می‌نماید. اجتناباً «Sampler» می‌نویسد «فیلامونیک برلین» و با سمفونیک «وین» برای بهتر شدن آثار بعدی پیشنهاد می‌شود که هم زهی‌های واقعی‌تر دارند و هم دینامیک و توانایی کنترل شدت و سندان‌تر. ج‌سای ب‌سادی چوبی و ب‌سادی برنجی در «اکترت‌اسپون آلبوم خالی است شاید سادگی و ارتباط سریع و امپروویز و فضای حاصل از این امپروویز باعث عدم قطعیت در پالت می‌شد که هنرمندان آلبوم سیر به این گروه‌سازها التفات نکردند والا به کارگیری سازهای بادی در رنگ‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری فراهم می‌آمد.

خود بدان دست می‌یابد در این بخش از آلبوم حکایت از عرفانی سرکوب شده و افسرده می‌کند، خاطراتی را مرور می‌کند. از چهره‌های رویگردان است اما تأثیر سنگین آن‌ها را نمی‌تواند فراموش کند. تمام درام زندگی نسل خود و آینده را دارد. با معصومیتی مخلص و فروتن به شط ج‌سای انسان‌دوستی و حسرت متصل‌مان می‌سازد و برایمان هویتی و شناسنامه‌ی ایرانی - جهانی دست و پا می‌کند. افکت‌های گیتار الکتریک که به رنگین کمان می‌ماند بر طراوت اثر می‌افزاید و کنتراست‌های آرام و ملانکولیک آن با سرعت خیره‌کننده و پرتوز ما و امپروویزهای نوپوری آن باعث ارتقای تکنیک سه‌تار نوازی توسط این شخص فرخنده‌تر و فروتن می‌گردد. ترکیب ذهنیتی اثرآرتانوی کلاسیک مدرن و هارد راک دهه ۷۰ میلادی با شد ایرانی و ریتم به‌ج‌ساده هندی ترکیبی بی‌بدیل است که در «۴» به گوش می‌رسد.

«۵» طرح‌کنگیزه به نسبت بقیه آثار این آلبوم گریزگ‌تر است. می‌شد به جای استفاده‌شش چهارم از «برایمسته ریتم» را به دوازده ضربی ارتقا داده و با سنگوبار کردن جمله‌ها و تغییر آکسان آن‌ها به فضایی از گسترش و دیالوگ ریتم و سه‌تار دست یافت و به Jazz نزدیک شد. هنرمندان ما در آلبوم خویش می‌گویند. موسیقی بیان حال و بیان حرف و فکر است. می‌بای آن دلیلی وجود دارد نه خود دلیل است. فقط وجود دارد.

ریتم، رنگ‌آمیزی و قالب در موسیقی مشرق زمین (به خصوص ایران و هند) عموماً نقطه شروع و آخرین متفاوتی دارد و پیمودن این فاصله در آن خود بیانگر نوعی سیر در ریتم، صدا و مضمون است. از گوشه‌ی بی گوشه‌ی دیگر، از مقامی به مقامی دیگر، از حضیض تا اوج و از اوج به حضیض، تکرشی که در نواختن سه‌تار نیز وجود دارد. مبنای این اثر نیز سفری تصویری از میان رنگ‌آمیزی‌های مختلف و هارمونی‌های شرقی و غربی است. در نواختن سه‌تار برخلاف رایج‌تر از ریتم برده و جملات آوازی استفاده شده است و سه ریتم موسیقایی متفاوت مکالمه‌ی برقرار می‌کنند که مفهومی مشترک را بیان می‌کند.

آلبوم «سیر» از آثار ماندگار تاریخ موسیقی ایران است که در پاییز ۱۳۸۰ شمسی انتشار یافت و به حق فصل جدیدی از ذهنیت پویای فکر ایرانی را به ثبت رساند. برورش کناچه توضیحات و صفا‌رایی منظم و ترجمه انگلیسی دقیق و آراسته آن از مدیریت صحیح هنری مؤسسه تولیدکننده حکایت می‌کند. خسته نباشید.

و در خانمه... آقای مسعود شماری به پست‌مدن خوش آمدید.

ریتم

رنگ آمیزی و قالب در موسیقی مشرق زمین
(به خصوص ایران و هند)
عموماً نقطه شروع و آخرین متفاوتی دارد
و پیمودن این فاصله

در آن خود بیانگر نوعی سیر در ریتم، صدا و مضمون است...

از گوشه‌ی بی گوشه‌ی دیگر، از مقامی به مقامی دیگر،
از حضیض تا اوج و از اوج به حضیض

شماری در «۴» سیر فستی کوچک از مهارت نوازندگی خود را نمایانده، گو این که ترجیح داده زیاد در شد بیات اسفهان (گردی) بسازد. در هر حال برای جلوگیری از اغتباب کلام می‌شد «اکترت‌اسپون» ساده بر پایه کوک $Re \cdot Si^{\#} \cdot Re$ و هارمونی کوکرتال و سکونال حاصل و با تطبیق این کوک به کوکی نزدیک کوک سه‌تار مورد استفاده، به رنگ‌های «قرب و مال‌خویشا» تر رسید.

«۴» مشور عشق، از لحظات روحشان دستگاه مشوره است و فینال باشکوه و بهاد مذهبی آن در قلب و جان شنونده رسوخ می‌کند. تطابق این شد با «سُدیستانتونیک» چینی و حضور تسلا به‌علاوه «اکترت‌اسپون» همراه با ویرافتن و ناقوس مدولاسیون آهنگر «در رخصته خسته و شوریده شماری همراه است. گروه در قیامی دراماتیک و پرهیمنه به کل یکپارچه و اوجی که در اثر هنری واقعی یکبار و فقط یکبار هویداییت نسبت بیاتنه است. سوز و تپش موسیقی ترگن در این‌جا به اوج خود می‌رسد. بر کسمپوزیتورها، فولکلور است‌ها، اتنوموزیکولوگ‌ها، موزیکولوگ‌های خارجی و ایرانی است که این موسیقی را جدی بگیرند. مرحوم دکتر مسعود به تحقیقات گراشهایی در زمان پختگی کار خویش از این قوم ایرانی اطلاع داده و ملودی‌های بکر و عجیبی ثبت و ضبط کرده است که نباید بگذاریم خاک بخورند. ممکن است این ملودی‌ها در آرشو وزارت محترم ارشاد محفوظا باشد.

اما مسعود شماری در «۴» سوز و کداز، مراقبه به غسروب شورید می‌کند. عشق و زرفسانی که هم‌موسیقیدان، و نازنده، د سبات عم و د خلت، با